

نقد بوم‌گرایانه‌ی روایت اقتباسی اوکین پادشاه جهان

محمدجعفر یاحقی *

زهرا پارساپور **

مهدخت پورخالقی ***

فاطمه محمدزاده ****

چکیده

آمیختگی حیات انسان با ناانسان و طبیعت در عصر اسطوره و پیشاتاریخ، به گونه‌ای بود که انسان، نخستین گام‌ها را در راه شناخت و تعامل با محیط زیست خود برمی‌داشت. او نگاهی رازآمیز به جهان طبیعت داشت و حیات خود را با بقای سایر موجودات گره‌خورده می‌دید. حماسه‌های طبیعی از چنین جهانی سخن می‌گویند. باتوجه‌به تحولاتی که در رابطه‌ی انسان با طبیعت صورت گرفته است و تغییر رویکرد و نگاه انسان به طبیعت و سایر موجودات، این پرسش درباره‌ی آثار اقتباسی از حماسه‌های طبیعی طرح می‌شود: اقتباس‌کننده تاچه میزان به رویکرد اولیه پای‌بند بوده و تاچه حد متناسب با نگاه و اندیشه و حتی نیازهای زیست‌محیطی انسان امروز در روایت تصرف کرده است؟ در این پژوهش با روش توصیفی تطبیقی و با رویکرد بوم‌گرایانه به توصیف

* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی ferdows@um.ac.ir (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی Z.parsapoor@ihcs.ac.ir

*** استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی dandelion@ferdowsi.um.ac.ir

**** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش ادبیات حماسی) دانشگاه فردوسی

fmohamadzadeh317@gmail.com

و مقایسه‌ی رابطه‌ی انسان با طبیعت در داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی و اثر اقتباسی از آن؛ یعنی *اولین پادشاه جهان*، اثر محمدرضا یوسفی پرداخته و به این پرسش پاسخ داده‌ایم. نتیجه‌ی به‌دست‌آمده نشان داد که در داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی، نگاهی تعاملی میان انسان و طبیعت مشاهده می‌شود. کیومرث پادشاه فرهمند و خردمندی است که انسان و نایسان درکنار او با آرامش زندگی می‌کنند؛ از او کیش و آیین می‌آموزند و تنها دشمن آن‌ها اهریمن است که تلاش می‌کند نظام هماهنگ انسان و طبیعت را برهم زند. در روایت اقتباسی *اولین پادشاه جهان*، در بسیاری مواقع تعامل میان انسان و نایسان وجود دارد؛ چنان‌که نویسنده تلاش کرده است کیومرث را ناجی طبیعت از سیطره‌ی ضد طبیعت (اهریمن) معرفی کند، اما در بخشی از داستان، نگاهی انسان‌محور وجود دارد و طبیعت به حاشیه رانده می‌شود. با در نظر گرفتن بروز مسائل و بحران‌های زیست‌محیطی که پیامد نگاه انسان‌محور در دنیای امروز است، تغییر یا حذف این بخش از داستان در ایجاد حس مسئولیت‌پذیری، ارزش‌گذاری و احترام مخاطب کودک و نوجوان به طبیعت کمک می‌کند.

واژه‌های کلیدی: انسان، ادبیات کودک و نوجوان، داستان *اولین پادشاه جهان*، شاهنامه‌ی فردوسی، طبیعت، نقد بوم‌گرا.

۱. مقدمه

یکی از دغدغه‌های انسان معاصر، مواجه شدن او با بحران‌های زیست‌محیطی است. مصرف‌گرایی و تنوع نیازهای انسان، او را برآن داشت که با نگاهی ابزارگونه به طبیعت بنگرد و به بهره‌کشی از آن پردازد. فعالان محیط زیست به تدریج دریافتند که برای پیشگیری از مخاطرات زیست‌محیطی باید به واکاوی و اصلاح ریشه‌های این بحران در اندیشه، نگرش و رفتار انسان پردازند. این امر به شکل‌گیری مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله ادبیات منجر گردید. مطالعه‌ی آثار ادبی با دغدغه‌های محیط زیستی، زمینه‌ساز رویکرد تازه‌ای در نقد ادبی با عنوان نقد بوم‌گرا شد که به بررسی چگونگی رابطه‌ی انسان با محیط فیزیکی پیرامون خود و نیز تأثیر محیط بر انسان در اثر ادبی می‌پردازد.

نقد بوم‌گرا^۱ از دو بخش Eco مخفف Ecology و Criticism تشکیل شده است. اصطلاح «اکوکریتیسیسم» را ویلیام روکرت،^۲ ابداع کرد و در مقاله‌اش در سال ۱۹۷۸ با عنوان «ادبیات و بوم‌شناسی: تجربه‌ای در نقد بوم‌گرا در اکوکریستیسیسم»^۳ آن را به‌کار برد. در سال ۱۹۸۹ در جلسه‌ی انجمن ادبیات غرب، زمانی که چریل گلو تفلتی^۴ این اصطلاح را به‌عنوان بخشی از واژگان برای رویکرد انتقادی به مطالعه‌ی نوشتارهایی درباره‌ی طبیعت به‌کار برد، مشهور و شناخته شد. به عقیده‌ی گلو تفلتی، نقد بوم‌گرا مطالعه‌ی رابطه‌ی بین ادبیات و محیط فیزیکی است. درست همان‌طور که نقد فمینیستی زبان و ادبیات را از دیدگاه آگاهی جنسیتی^۵ بررسی می‌کند و نقد مارکسیستی درباره‌ی شیوه‌های تولید و طبقه‌ی اقتصادی برای خوانش‌های متون آگاهی ایجاد می‌کند، نقد بوم‌گرا نیز رویکردی زمین‌محور به مطالعات ادبی اتخاذ می‌کند (رک. Glotfelty, 1996: xviii).

«نقد بوم‌گرا موضوعی میان‌رشته‌ای است که برخلاف معمول، در سایر رویکردهای نقد، مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای در علوم تجربی و علوم انسانی به‌شمار می‌رود. مباحثی که در این رشته مطرح می‌شود، آمیزه‌ای از مباحث مادی (در اکولوژی) و مسائل معنوی است که هر دو یک‌هدف را دنبال می‌کنند و آن کمک به حفظ و بقای انسان است» (پارساپور، ۱۳۹۲: ۸۸).

یکی از اهداف مهم نقد بوم‌گرا شناخت نوع رابطه‌ی بشر به‌عنوان بخش تفکیک‌ناپذیری از محیط زیست با سایر موجودات از طریق ادبیات و همچنین توانایی او برای تغییر رابطه‌اش با محیط زیست اوست. بی‌تردید این رابطه در طول تاریخ یکسان نبوده و بنابر ملاحظات، انسان تغییراتی در نوع نگرش و عملکرد خود به محیط زیست داشته که این تغییر بر حیات همه‌ی موجودات، از جمله خود انسان تأثیرگذار بوده است.

1. Ecocriticism

2. William Rueckert

3. Literature and Ecology: An Experiment In Ecocriticism

4. Cheryl Glotfelty

5. gender-conscious

شاعران ایرانی در هرکدام از ژانرهای چهارگانه (تعلیمی، حماسی، غنایی و عرفانی)، متناسب با فضای آثار به ابعاد مختلفی از رابطه‌ی انسان با طبیعت پرداخته‌اند. در موج اول نقد بوم‌گرا، بیشتر تمرکز ناقدان بر ادبیات شبانی^۱ و نوشتارهای طبیعت^۲ بود؛ درحالی‌که در موج دوم، ژانرهای متعدد و متنوعی از جمله ادبیات تخیلی و رمان اهمیت پیدا کرد. با بررسی آثار ادبی و حتی متون تاریخی و دینی می‌شد به ابعاد گوناگون رابطه‌ی انسان با محیط زیست در طول تاریخ پرداخت. در این میان، آثاری که در ژانر حماسی پدید آمده‌اند، به دلیل استواربودن بر بن‌مایه‌های اسطوره‌ای، قابلیت خاصی برای تحلیل با رویکرد نقد بوم‌گرا دارند، زیرا انسان در عصر اسطوره، جزئی از طبیعت و با آن تنیده است و نمادها و اسطوره‌هایی که تا امروز با ما هستند، مبتنی بر آن نگاه شکل گرفته‌اند. در این دوره انسان هنوز کشت و زرع را نیاموخته و در طبیعت تصرفی نکرده است و طبیعت به صورت محض، وجودی مستقل و ذاتی دارد، بدون آنکه ارزش آن وابسته به ارزش انسان باشد.

شاهنامه‌ی فردوسی سروده‌ای در ژانر حماسی است که بسیاری از جلوه‌های رابطه‌ی انسان با طبیعت در عصر اسطوره را می‌توان در آن دید. در این اثر، طبیعت به صورت محض به کار برده شده است. «شاعر عناصر طبیعت را در فضای بکر خود نگه می‌دارد و از عناصر فرهنگی در توصیف آن‌ها یا استفاده نمی‌کند یا اینکه استفاده‌ی او بسیار محدود است» (پارساپور، ۱۳۹۵: ۴۹). روزآمدسازی شاهنامه‌ی فردوسی یکی از شیوه‌های گسترش رویکرد تعاملی میان انسان و طبیعت و کم‌رنگ کردن نگاه سلطه‌جویانه به طبیعت است که در نقد بوم‌گرا دنبال می‌شود و کودکان و نوجوانان به‌عنوان تأثیرپذیرترین افراد جامعه می‌توانند هدف این روزآمدسازی باشند.

کودکان، هنجارهای فرهنگی را به شیوه‌های متنوعی یاد می‌گیرند که ادبیات یک بُعد از فرایند اجتماعی شدن زیست‌محیطی است (رک. Adugena, 2015: 40). ادبیات کودک نقش مهمی در رشد ذهنی و شناختی کودکان که شهروندان آینده‌ی این زمین

1. Pastoral Literature

2. Nature writing

هستند، ایفا می‌کند (رک. Mishra, 2016: 91). این شاخه از ادبیات، سرگرم‌کننده، جالب، آموزنده و تخیلی است و از طریق داستان، وجه قدرتمند شکل‌دادن به ذهنیت کودکان می‌شود (رک. Bhalla, 2012: 2).

اقتباس‌های متون کهن فارسی برای کودکان و نوجوانان نیز در دایره‌ی ادبیات کودک قرار می‌گیرند. اقتباس‌کننده می‌تواند هنگام انتقال رابطه‌ی انسان و طبیعت از متن کهن به متن اقتباس‌شده، تغییراتی انجام دهد که به نفع رابطه‌ی تعاملی انسان و طبیعت باشد. اقتباس‌های شاهنامه‌ی فردوسی برای کودکان و نوجوانان نیز می‌تواند چنین اهدافی را دنبال کند. باتوجه‌به آنچه گفته شد، داستان اولین پادشاه جهان با رویکرد نقد بوم‌گرا تحلیل می‌شود.

۲. بیان مسأله و روش تحقیق

در شاهنامه‌ی فردوسی، کیومرث نخستین پادشاه است که مدینه‌ی فاضله‌ی زیست‌محیطی را می‌توان در دوره‌ی پادشاهی او دید. همه‌ی جانوران در کنار کیومرث با آرامش زندگی می‌کنند و از او دین و آیین می‌آموزند. در ارتباط کیومرث با حیوانات رابطه‌ای تعاملی وجود دارد، اما پس از کیومرث، رابطه‌ی انسان و طبیعت، ویژگی‌های انسان‌محورانه پیدا می‌کند و طبیعت به خدمت انسان در می‌آید. چنان‌که در دوره‌ی هوشنگ، انسان کشاورزی را فرا می‌گیرد و نیز از پوست و موی حیوانات استفاده می‌کند. طهمورث یکی دیگر از پادشاهان پیشدادی، حیوانات وحشی را از کوه و دشت به بند می‌کشد و پرندگان وحشی همچون باز و شاهین را دست‌آموز خود می‌کند. در دوره‌ی جمشید، دیو، مرغ و پری در خدمت او هستند، اما کشاورزی بیش از دام‌پروری اهمیت پیدا می‌کند و رشتن و تافتن در اولویت قرار می‌گیرد. در بخش پیشدادیان شاهنامه، با ظهور نخستین انسان و تاریخ شکل‌گیری تدریجی تمدن انسان روبه‌رو هستیم و همیشه با رویکردی انسان‌محور موفقیت‌های نخستین انسان‌ها و نخستین پادشاهان را در این بخش از حماسه دنبال کردیم. اما در رویکرد بوم‌گرایانه این نگاه انسان‌محور برداشته می‌شود و با نگاهی کلی‌نگر،

اقدامات تمدن به‌عنوان روایت‌های حماسی و تاریخی می‌شناسیم و با خوانشی انسان‌محور می‌خوانیم، تاریخ انسان است، نه تاریخ جهان. از این‌رو، تاریخ تمدن بشری، تاریخ به بندکشیدن طبیعت و تسلط تدریجی انسان بر آن است. در حالی که در عصر اسطوره، انسان تحت تأثیر نگاه رازآمیز و روح‌مندانگاران به طبیعت، قرار دارد و طبیعت، تقابلی با ماورای طبیعت و جهان غیرمادی ندارد. «در چشم انسان اسطوره‌ای، درختان، کوه‌ها، رودها و دیگر پدیده‌های گیتی، آدمی‌گونه‌اند؛ حتی می‌توان گفت: آدمیانی‌اند از گونه‌ای دیگر» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۲۸). در عصر اسطوره پدیده‌های طبیعت و رویدادهای آن تنها تحت تأثیر علل و عوامل مادی توضیح داده نمی‌شوند و با باورها و اعتقادات انسان‌ها گره می‌خورند. از این‌رو، رفتار انسان با دیگر موجودات زنده و غیرزنده در چارچوب مشخصی تعریف می‌شود و انسان خود را در بهره‌برداری از طبیعت و تصرف در آن آزاد نمی‌بیند. نصر توجه و تأمل در نوع نگرش انسان‌ها را در گذشته برای اصلاح رابطه‌ی انسان امروز با محیط زیست مؤثر می‌داند.

آیین شمنیسم^۱ که در دوران پیشاتاریخ در گوشه و کنار جهان وجود داشته، مبتنی بر زنده‌انگاری ماده^۲ است. در این آیین، شجره‌ی عالم، درختی است که حیات دارد و حیات می‌بخشد. این شجره، محور کیهان است و همه‌ی اجزای آن حیات و شعور دارند. امری قدسی که در آن واحد هم بر عالم طبیعت و هم بر انسان سیطره دارد. شمن، موظف است این نظم و هماهنگی را حرمت نهد و تمایزی میان امر قدسی و طبیعت و فاصله‌ای میان نظم انسان و نظم طبیعت قائل نشود (رک. نصر، ۱۳۸۹: ۴۷ و ۴۸). در روایات حماسی، تاریخی و برخی از متون دینی مربوط به آفرینش انسان و جهان و آغاز حیات انسان بر زمین، مرز میان انسان و نانسان را بسیار کم‌رنگ می‌بینیم تاجایی که منشأ خلقت انسان با گیاهان و حیوانات گره خورده است و ماجراها و روایات مربوط به انسان، جدا از دیگر موجودات نیست. خوانش بوم‌گرایانه‌ی آثار حماسی و تاریخی ضمن اینکه در فهم نگاه

1. shamanism

2. hylozoim

متفاوت انسان به جهان، به ما کمک می‌کند، اجازه می‌دهد خوانش متفاوتی از روایات اسطوره‌ای و تاریخی داشته باشیم.

داستان اولین پادشاه جهان نوشته‌ی محمدرضا یوسفی، اقتباسی از داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی است که برای مخاطب کودک و نوجوان امروز نوشته شده است. یک اثر اقتباسی همچنان که هاچمنی گوید: «با انگیزه‌های خاص فرهنگی، مادی، شخصی و سیاسی انجام می‌شود و همچنان که متن مبدأ مربوط و متعلق به زمان، مکان، جامعه و فرهنگی خاص است، یک اثر اقتباس شده نیز با موقعیت فرهنگی و تاریخی که در آن تولید می‌شود، تناسب دارد» (حسینی، ۱۳۹۲: ۲۲۱). بنابراین در اقتباس‌های شاهنامه‌ی فردوسی برای کودکان و نوجوانان نیز باید همه‌ی جوانب و نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ی امروز رعایت شود. مهم‌ترین دغدغه‌ی زیست‌محیطی در جهان مدرن، نبود تعامل میان انسان و نایسان است. نقد بوم‌گرا در پی آن است که آثار ادبی را از بدین منظور مطالعه کند و ذهن نویسندگان را به رابطه‌ی صلح‌آمیز با طبیعت معطوف کند. در اولین پادشاه جهان، گمانه آن است که اقتباس‌کننده رابطه‌ی تعاملی میان انسان و طبیعت را در نظر داشته است.

اکنون پرسش این است که در داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی، رابطه‌ی انسان و طبیعت چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه ترسیم شده است؟ این رابطه در اثر اقتباسی / اولین پادشاه جهان چه تغییراتی داشته و با نظریات و دغدغه‌های زیست‌محیطی امروز چگونه توجیه می‌شود؟

در این مقاله با رویکرد نقد بوم‌گرا و با روش توصیفی تطبیقی به این پرسش‌ها پاسخ داده شده است. مراحل تحلیل بوم‌گرایانه‌ی اولین پادشاه جهان عبارتند از:

۱. نقد و تحلیل رابطه‌ی انسان و طبیعت در داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی با رویکرد نقد بوم‌گرا

۲. نقد و تحلیل تغییرات ایجادشده در رابطه‌ی انسان و طبیعت در اثر اقتباسی اولین پادشاه جهان با رویکرد نقد بوم‌گرا

۳. پیشینه‌ی تحقیق

در سال‌های اخیر، پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان در داخل و خارج از ایران تاحدودی به نقد بوم‌گرا در این آثار توجه کرده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها عبارت‌اند از: کرمستجی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ی بررسی داستان‌های تصویری ایرانی از منظر بوم‌نقد، برای نخستین‌بار پیشینه‌ی بوم‌نقد در ادبیات کودک را بررسی کرده است. او مطالعات بوم‌نقد در ادبیات کودک را به دو دسته تقسیم می‌کند: نخست تقسیم‌بندی از نظر موضوع؛ مانند پیوستگی انسان با طبیعت، گیاهان، ارتباط انسان با حیوان، آلودگی، گرمای جهان و تأثیرات زیست‌محیطی و دوم تقسیم‌بندی از نظر ژانر؛ مانند رمان کودک و نوجوان، فیلم و مجموعه‌ی تلویزیونی کودک.

ذکاوت (۱۳۹۷)، داستان‌های دو دوست نوشته‌ی زهره پریخ با تصویرگری لیسای جمیله و دیلینگ‌دیلینگ نوشته‌ی هدا حدادی را از نظر بوم‌فمینیسم (زن‌طبیعت) و چالش‌های مربوط به زن و طبیعت تحلیل کرده است.

در مطالعات خارجی، ادوگنا^۱ (۲۰۱۵) در تحقیق خود، جایگاهی را که به بحران‌های زیست‌محیطی در ادبیات اتیوپی داده شده است، بررسی کرده که در آن، بیش از پنجاه روایت در کتاب‌های ادبیات کودکان براساس رویکرد نقد بوم‌گرا تحلیل شده است. تحلیل داستان‌ها نشان داده است که داستان‌ها اهمیت زیادی برای نگرانی‌های زیست‌محیطی قائل نشده‌اند. تحلیل‌های تصویری، غلبه‌ی منافع انسان‌محور را نشان می‌دهد. بیشتر داستان‌ها اهمیت کمی به مسئولیت‌های اخلاقی کودکان برای حفظ و مراقبت از محیط زیست داده‌اند. برخی داستان‌ها نیز موضع متضادی در این‌باره دارند.

أجیچی^۲ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ی طبیعت را در متون شعری ویژه‌ی کودکان ارزیابی کرده است. این متون عبارت‌اند از: شعر کودکان برای لذت، آهنگ‌های مادر من، شعر، دهل‌های شیرین صحبت و شعر برای جوانان. یافته‌ها نشان می‌دهد که طبیعت دارای نمادها و تصاویر

1. Adugna

2. Ogechi

آشنایی است که می‌تواند کودکان را به مطالعه‌ی شعر علاقه‌مند کند. همچنین، دل‌بستگی به طبیعت موجب تحریک آگاهی کودکان برای امنیت محیط زیستشان می‌شود.

اقتباس‌های داستان‌های کهن فارسی برای کودکان و نوجوانان نیز از جمله آثار ادبیات کودک و نوجوان است که می‌توانند دست‌مایه‌ی تحلیل با رویکرد نقد بوم‌گرا قرار گیرند. این آثار که از داستان‌های کهن مربوط به یکی از ژانرهای چهارگانه‌ی ادبیات فارسی (تعلیمی، عرفانی، حماسی و غنایی) اقتباس شده‌اند، رابطه‌ی انسان و طبیعت را متناسب با آن ژانر نشان می‌دهند. اقتباس‌های *شاهنامه‌ی فردوسی* برای کودکان و نوجوانان به دلیل داشتن جذابیت‌های داستانی و بناسدن بر بن‌مایه‌های اسطوره‌ای، در بازتاب‌دادن رابطه‌ی انسان و طبیعت برای کودکان و نوجوانان مؤثر است و نقد بوم‌گرایانه می‌تواند جایگاه مهمی در پژوهش‌های مربوط به اقتباس‌ها داشته باشد، اما پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان تاکنون به این نوع نقد توجه نکرده‌اند.

برخی از پژوهش‌های انجام‌شده درباره‌ی اقتباس‌های *شاهنامه‌ی فردوسی* برای کودکان و نوجوانان عبارت‌اند از: کریم‌زاد (۱۳۸۴) در پایان‌نامه‌ی خود با عنوان *تأثیر شاهنامه در ادبیات کودکان، بازنویسی‌ها و بازآفرینی‌های شاهنامه‌ی فردوسی* را برای کودکان و نوجوانان بررسی کرده و نشان داده است که نویسندگان در بازنویسی و بازآفرینی *شاهنامه‌ی فردوسی* به کدام داستان‌ها و قهرمانان این اثر بزرگ توجه بیشتری داشته‌اند.

جلالی (۱۳۸۹) در رساله‌ی دکتری *شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان از مشروطه تا ۱۳۸۵*، پژوهشی را با هدف گردآوری، تحلیل و بررسی اقتباس‌های *شاهنامه‌ی فردوسی* برای کودکان و نوجوانان انجام داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که پرکاربردترین نوع اقتباس محتوایی، بازنویسی و پُرسامدترین نوع اقتباس نگارشی، اقتباس از نظم به نثر است و گروه سنی «ج و د» مخاطبان اصلی اقتباس‌کنندگان *شاهنامه‌ی فردوسی* هستند. همچنین، بخش داستانی متون منتشر، پُرسامدترین نوع نوشته‌های ادبی در آثار اقتباس‌شده از *شاهنامه‌ی فردوسی* برای کودکان و نوجوانان است. افزون بر این، اقتباس از *شاهنامه‌ی*

فردوسی تا دهه‌ی ۱۳۳۰ بسیار ناچیز بوده، از دهه‌ی ۱۳۵۰ افزایش یافته و از دهه‌ی ۱۳۷۰ به این سو این افزایش سه برابر داشته است.

اکبرلو (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «شاهنامه، کودک و اقتباس دراماتیک»، پژوهشی درباره‌ی چگونگی استفاده‌ی اقتباس‌کنندگان از روایت‌های شاهنامه‌ی فردوسی برای کودکان و نوجوانان انجام داده است. وی بازنویسی‌های شاهنامه‌ی فردوسی برای کودکان و نوجوانان را رونوشت‌هایی از اصل روایت فردوسی در شاهنامه می‌داند که هیچ تازگی در آن وجود ندارد. اکبرلو آشنایی اقتباس‌گر را با اساطیر و ادبیات تطبیقی، برای نگارش و بازایش داستان‌های شاهنامه ضروری می‌داند.

جلالی و پورخالقی چترودی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «اقتباس مفهومی و نگارشی از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان»، انواع اقتباس مفهومی و نگارشی از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان را معرفی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که بخش درخور ملاحظه‌ای از اقتباس‌های محتوایی از نوع اقتباس بسته است و بازآفرینی، تلخیص، بازنگری و گزیده‌نویسی در انواع اقتباس محتوایی از شاهنامه کاربرد کمتری دارد. در انواع اقتباس نگارشی از شاهنامه نیز پنج نوع اقتباس معرفی شده که در این شیوه بهترین و ساده‌ترین کاربرد، اقتباس از نظم به نثر است.

جلالی (۱۳۹۵) در کتاب شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان در هفت فصل به ویژگی‌های انواع اقتباس در محتوا، نگارش و فرم، نگارش و زبان، رابطه‌ی اقتباس با مخاطب، جایگاه آن در انواع ادبی و ارزیابی اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان پرداخته است.

در این پژوهش‌ها به نقد بوم‌گرایانه‌ی اقتباس‌های شاهنامه‌ی فردوسی برای کودکان و نوجوانان اشاره‌ای نشده است. اولین پادشاه جهان اقتباسی از داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی است که در این مقاله با رویکرد نقد بوم‌گرا تحلیل می‌شود و تاکنون پژوهشی درباره‌ی آن انجام نشده است.

۴. بحث و نظر

۴.۱. رابطه‌ی کیومرث با طبیعت در شاهنامه‌ی فردوسی

در شاهنامه‌ی فردوسی، کیومرث نخستین پادشاه است. فردوسی در چرخشی اسطوره‌ای، کیومرث را از پیش‌نمونه‌ی نخستین انسان که با آن ویژگی‌های جسمانی برای انسان امروز غیرواقعی و دور از ذهن است، به نخستین پادشاه تبدیل کرده است. در دوره‌ی اسلامی نیز در برخی آثار، کیومرث اولین پادشاه دانسته شده است. در تاریخ مسعودی آمده است که کیومرث، پسر ارم، پسر سام، پسر نوح و ساکن فارس است. مردم زمانی کیومرث را به پادشاهی و سروری خود برگزیدند که سراسر سرزمین را حسد و ستم و شرارت فراگرفته بود. آن‌ها به نزد کیومرث رفتند و از او خواستند که سرور آن‌ها باشد و عرضه داشتند که مطیع و فرمان‌بردار او خواهند بود. کیومرث پذیرفت و درباره‌ی اطاعت و فرمان‌برداری و ترک عهدشکنی با آن‌ها سخن گفت (رک. مسعودی، ۱۳۸۲: ۲۱۴-۲۱۶). در شاهنامه‌ی فردوسی کیومرث نخستین پادشاهی است که بر تخت می‌نشیند و تاج بر سر می‌نهد:

چنین گفت کاین تخت و کلاه گیومرت آورد و او بود شاه

(فردوسی، ۱۳۹۱: ۲۱)

با اینکه سی سال زندگی کیومرث در اسطوره‌ی آفرینش با حفظ عدد سی در شاهنامه به سی سال شاهی تغییر یافته است: «به گیتی بر او سال سی شاه بود/ به خوبی چو خورشید بر گاه بود» (فردوسی، ۱۳۹۱: ۲۲) اما کیومرث در شاهنامه همچنان ویژگی‌های اسطوره‌ای را دارد. این ویژگی‌های اسطوره‌ای در رابطه‌ی انسان و سایر موجودات عبارت‌اند از:

۴.۲. برداشته‌شدن مرز میان انسان و نایسان

در جهان اسطوره، پیوندی ناگسستنی میان طبیعت مادی و ماورای طبیعت وجود دارد. انسان عصر اسطوره، باورهایی درباره‌ی طبیعت دارد که آن را از مادیت محض بیرون می‌آورد. او طبیعت را دارای روح می‌داند، چنان‌که آن را سعد و نحس می‌نامد. ذهن انسان

عصر اسطوره با مسائلی همچون جهل و دانایی، تشنگی و گرسنگی، تاریکی و روشنی و خشک‌سالی و باروری درگیر است و این مسائل از بُعد مادی طبیعت دور نیست. بنابراین مرزی میان طبیعت و ماورای آن وجود ندارد (رک. پارساپور، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۹).

در جهان اسطوره انسان در میان سایر موجودات می‌زیست و مرزی میان مکان زیست او و طبیعت وجود نداشت؛ به عبارتی دیگر، محیط زیست مصنوعی معنایی نداشت و هرچه بود، محیط زیست طبیعی بود. حیوانات به راحتی با انسان‌ها در ارتباط و تعامل بودند. این‌گونه آمیختگی را می‌توان در شاهنامه‌ی فردوسی در دوره‌ی کیومرث دید. کیومرث تنها بر انسان‌ها حکم نمی‌راند. دد و دام نیز نزد او می‌رفتند و در روزگار او آرامش داشتند: «دد و دام و هر جانور کش بدید/ ز گیتی به نزدیک او آرمید» و «دوتا می‌شدندی بر تخت اوی/ از آن برشده فرّه و بخت اوی» و «به رسم نماز آمدندیش پیش/ از آن جایگه برگرفتند کیش» (رک. رسولی، ۱۳۹۲-۱۳۹۳: ۳۷).

۳.۴. آفرینش هم‌زمان انسان و نایسان

در متون اسطوره‌ای آفرینش انسان با آفرینش سایر موجودات گره خورده است. در اسطوره‌های آریایی انسان منشأ گیاهی دارد. کیومرث به‌عنوان نخستین انسان به‌همراه گاو یکتا آفریده از خاک آفریده می‌شود. از نطفه‌ی او گیاه ریواس می‌روید و از این گیاه مجدداً انسان. در بندهش آمده است که کیومرث بر سمت چپ هرمزد و گاو بر سمت راست او آفریده شد. هرمزد کیومرث را با گاو از زمین می‌آفریند (دادگی، ۱۳۷۸: ۴۱). همچنین مرگ کیومرث و گاو نیز با هم اتفاق می‌افتد. در بندهش آمده است که وقتی اهریمن به گاو حمله می‌کند، گاو به‌سوی نیم‌روز بر دست راست می‌افتد و هرمزد تن او را می‌گیرد و به ماه می‌سپارد. اهریمن به کیومرث هجوم می‌آورد. کیومرث به‌سوی نیم‌روز بر سمت چپ می‌افتد. هرمزد تن او را می‌گیرد و به خورشید می‌سپارد، زیرا گاو مانند ماه و کیومرث همچون خورشید بود (رک. همان: ۶۹ و ۷۰).

آفرینش کیومرث پیوندی عمیق با گاو، خورشید، ماه و گیاه دارد. چنین برمی‌آید که کیومرث موجودیت تمام طبیعت را در خود گنجانده است. نطفه‌ی او در خورشید پالوده شده است و «در اندیشه‌ی ایرانیان خورشید جاودانه بوده و از فرّ و فروغش برکت و حاصل‌خیزی بر جهان ارزانی می‌شود» (پورخالقی‌چترودی، ۱۳۸۱: ۱۴). زندگی کیومرث با مرگ او پایان نمی‌یابد؛ بلکه سرچشمه‌ی حیاتی دوباره می‌شود و در گیاه ریواس ادامه پیدا می‌کند. منشأ باور به گیاه‌تباری انسان را می‌توان در اسطوره‌ی کیومرث دید. رابطه‌ی نمادینی که میان انسان و درخت در اسطوره‌های کهن وجود دارد و نیز مهلی و مهلیانه (ریواس)، باوری نیرومند به تولد گیاهی انسان را می‌نمایاند (رک. همان: ۴۸). از سوی دیگر، گاو و گیاه نیز با هم ارتباط دارند. در آیین مهری از خون گاو یکتاآفریده، گیاه می‌روید (رک. همان: ۴۹). این رابطه‌های نمادین، نشان می‌دهد که در اسطوره‌ها انسان و نایسان در آفرینش و مرگ از یکدیگر جدا نشده‌اند و مرز مشخصی میان بدن انسان، حیوان و گیاهان دیده نمی‌شود.

۴.۴. اشتراک انسان و نایسان در هوش، فرهنگ و احساسات

در جهان اسطوره، هوشمندی و فرهنگ و حتی سخنوری در انحصار انسان قرار ندارد. انسان‌ها همان‌طور که باهم گفت‌وگو و تعامل می‌کنند، با حیوانات و حتی با گیاهان به‌عنوان موجوداتی هوشمند در گفت‌وگو و تعاملند. در شاهنامه‌ی فردوسی نیز فقط انسان صاحب هوش و ادراک نیست که می‌تواند کیش و آیین را بیاموزد، بلکه جانوران نیز این ویژگی را دارند. جانوران در برابر کیومرث تعظیم می‌کنند و به‌دلیل داشتن فرّه و اقبال ایزدی او را می‌ستایند: «دد و دام و هر جانور کش بدید / ز گیتی به نزدیک او آرمید» و «دوتا می‌شدندی بر تخت او / از آن برشده فرّه و بخت او» و «به رسم نماز آمدندیش پیش / از آن جایگه برگرفتند کیش» (فردوسی، ۱۳۹۱: ۲۲). حیوانات نیز می‌توانند فرّه ایزدی داشته باشند. در یسنا، فروهر چارپای خوب‌کنش و کیومرث پاک ستوده شده است

(رک. پورداوود، ۱۳۹۴: ۱۶۸). بنابراین، چهارپایان مانند انسان‌ها به دو دسته‌ی خوب‌کنش و بدکنش تقسیم می‌شوند و چهارپای خوب‌کنش، شایسته‌ی ستایش است.

۴.۵. برقراری نظم هم‌زمان میان انسان و نایسان

در شاهنامه‌ی فردوسی پیش‌ازآنکه درباره‌ی جانوران و رفتار آن‌ها در مقابل کیومرث سخنی آورده شود، آمده است: «از او اندر آمد همی پرورش / که پوشیدنی نو بُد و نو خورش» (فردوسی، ۱۳۹۱: ۲۲) و پس‌از آن به آرامش جانوران اهلی و وحشی در کنار کیومرث اشاره شده است. باتوجه‌به این ابیات، واژه‌ی «پرورش» را می‌توان با برقراری نظم میان انسان و دیگر موجودات برابر دانست. چنان‌که انسان و نایسان زندگی یکدیگر را دچار آشوب و بی‌نظمی نمی‌کنند. بنابراین «پروردن» با «رام‌کردن» متفاوت است. رام کردن مفهومی است که پروردن جسم حیوان را برای بهره‌کشی انسان به‌دنبال دارد، اما ابیات شاهنامه نشان می‌دهد که «پروردن» چنین مفهومی ندارد. خالقی‌مطلق نیز در یادداشت‌های شاهنامه اشاره کرده است که واژه‌ی «پرورش» در شاهنامه به‌معنای «تربیت» کمتر به کار رفته و بیشتر به معنی «رسم ساختن» خوراک و تغذیه است. وی باتوجه‌به مصراع دوم (که پوشیدنی نو بُد و نو خورش)، این واژه را به‌معنی کلی‌تر «فرهنگ» گرفته است، زیرا پوشیدن جامه و ساختن انواع خوراک‌های گوناگون در زمان کیومرث پدید آمد (رک. خالقی‌مطلق، ۱۳۹۱: ۳۰).

کیومرث در اوستا (یسنا)، شبان پیرو راستی و پیروزمند است. او چارپایان را با راستی، فراوانی و رادی و دهش و مهربانی با دستیاری آذر اهورامزدا می‌پرورد (پورداوود: ۱۳۹۴، ۲۹۲/۳). از واژه‌ی «راستی» و فعل «می‌پرورد» چنین برمی‌آید که مقصود همان «آشه» به معنی راستی و نظم مادی است. نیبرگ، آشه را همان رتَهَ *rta* در هندی می‌داند که نیروی نظم درست و راست به‌معنی فراگیر آن است. چنان‌که نظم جهانی، زندگی اجتماعی و دینی، روش درست طبیعت، زندگی مرتب و منظم موجودات طبیعی و پرورش درست چارپا در آشه نهفته است (رک. نیبرگ: ۱۳۸۳، ۱۷۴ و ۱۷۵). کیومرث «شبان پیرو راستی

است»، بنابراین او نگه‌دارنده‌ی جانوران است، چنان‌که آن‌ها بدون هیچ‌گونه هراسی در کنار او زندگی می‌کنند و طبیعت چنان نظم‌ی دارد که انسان و حیوان آسیبی به یکدیگر نمی‌رسانند.

۴.۶. اهریمن و دیو، دشمن مشترک انسان و ناناانسان

واژه‌ی دیو که در اوستایی دَئو^۱ و در هندی باستان دیوا^۲ است؛ در دوره‌های مختلف تاریخی معانی و مفاهیم آن تغییر کرده است. این واژه در اوستایی به معنی خدا است و گروهی از خدایان آریایی را دیو می‌نامیدند، اما پس از ظهور زرتشت و معرفی اهورامزدا، این خدایان (دیوها)، به‌عنوان گمراه‌کنندگان و شیاطین شناخته شدند. دیوان نزد اقوام هند و اروپایی معنی اصلی خود (خدا) را حفظ کرده است. در اوستا دیوان، خدایان باطل، شیاطین یا مردمان مشرک و مفسد هستند (رک. یاحقی، ۱۳۸۶: ۳۷۱). «در وندیداد/ ویدیوداد، گروهی از دیوان به‌عنوان شخصیت‌های آسیب‌رسان، مرگ‌آور و راهنمایان دوزخ می‌شوند و زمستان سرد نواحی شمال ایران صفت دیوآفریده به‌خود می‌گیرد. بریده‌های ناخن را باید پیشکش «بوم» کرد تا آن‌ها را به‌صورت نیزه، کارد، کمان و پیکان به کار ببرد و گرنه به‌دست دیو می‌افتد. دیو، دشمن کشاورزی است. وقتی گندم برای پاک کردن آماده می‌شود، دیوان عرق می‌ریزند. چون آسیاب به آردکردن گندم می‌پردازد، آنان سست می‌شوند. چون آرد به دست می‌آید، دیوان زوزه می‌کشند و چون خمیر را ورز می‌دهند، آن‌ها تیر پرتاب می‌کنند» (آموزگار، ۱۳۷۱: ۱۸). اهریمن سرکرده‌ی همه‌ی دیوان است و به دیوها فرمان شرارت می‌دهد.

فردوسی در داستان کیومرث، پس‌ازآنکه آرامش و آسایش انسان و ناناانسان را می‌نمایاند، به دشمن مشترک آن‌ها یعنی اهریمن و دیو می‌پردازد و این موجود ناپاک را سبب برهم‌زدن نظم طبیعت می‌داند: «برآمد بر این کار یک روزگار/ فروزنده شد دولت شهریار/ به گیتی نبودش کسی دشمن/ مگر در نهران ریمن آهرمن/ به رشک اندر آهرمن

1. daeva

2. deva

بدسگال/ همی رای زد تا بیاگند یال» (فردوسی، ۱۳۹۱: ۲۲). در ادامه آمده است که از بخت بد سیامک و کیومرث، تعداد زیادی با دیویچه همراه شدند و به نبرد با سیامک آمدند: «جهان شد بر آن دیویچه سپاه/ ز بخت سیامک چه از بخت شاه/ سپه کرد و نزدیک او راه جست/ همی تخت و دیهیم کی شاه جست» (همان). ابیات نشان می‌دهد که جهان در حال دگرگونی و نابسامانی شده است و چنانچه اهریمن تخت و تاج پادشاهی کیومرث را تصاحب کند، انسان و نانسان در تسلط او قرار خواهند گرفت.

۴.۷. رابطه‌ی انسان و نانسان در داستان اولین پادشاه جهان

اولین پادشاه جهان، اقتباس داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی، اثری از محمدرضا یوسفی، یکی از پرکارترین نویسندگان و نظریه‌پردازان ادبیات کودک و نوجوان در ایران است. اولین پادشاه جهان اقتباس داستان کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی برای کودکان و نوجوانان، از جمله آثار وی است که رابطه‌ی کیومرث با طبیعت و چالش‌ها و نبرد او با ضد طبیعت در آن دیده می‌شود.

۵. داستان اولین پادشاه جهان

کیومرث و اهریمن هر دو در آسمان زندگی می‌کنند. هنگامی که اهریمن کنش‌های نابودگرانه‌ی خود را در گیتی آغاز می‌کند، کیومرث برمی‌آشوبد و در پی آن است که اهریمن را دوباره به جایگاه تاریک خود بازگرداند. کیومرث همچون مینوی آسمان، خردمند و کنش‌مند است. او از آسمان بر زمین می‌آید و با انسان‌ها و جانوران سخن می‌گوید و چاره‌ای برای نبرد با اهریمن می‌اندیشد. دیوها نبرد را آغاز می‌کنند و در پی نابودی آدم‌ها و جانوران هستند. همه‌ی انسان‌ها و جانوران با کیومرث همراهی می‌کنند تا اهریمن و دیوها را نابود کنند. سرانجام بر دیوها پیروز می‌شوند. انسان‌ها و جانوران پس از این پیروزی، کیومرث را به پادشاهی خود برمی‌گزینند.

در داستان *اولین پادشاه جهان*، انسان و نانسان در یک سو و اهریمن به عنوان ضد طبیعت در سوی دیگر قرار دارد. نقد بوم‌گرایانه‌ی این اقتباس در سه بخش ارائه می‌شود.

۱. کنش‌گری اهریمن به عنوان نیروی ضد طبیعت؛ ۲. تعامل میان انسان و نانسان که رویکردی زیست‌بوم‌گرایانه به طبیعت دارد؛ ۳. نگاه سلطه‌گرانه‌ی انسان بر نانسان که انسان‌محوری زیست‌محیطی از آن دریافت می‌شود.

۵. ۱. اهریمن ضد طبیعت

چالش داستان از کنش‌گری اهریمن به عنوان نیروی شر و ضد طبیعت آغاز می‌شود. حوادث *اولین پادشاه جهان* را از نظر اسطوره‌ای می‌توان مصادف با اتفاقاتی دانست که در پایان سه‌هزارسال دوم و آغاز سه‌هزارسال سوم آفرینش؛ یعنی در هنگامه‌ی یورش دوم اهریمن روی می‌دهد. به‌گفته‌ی هینلز در این یورش، اهریمن آسمان را می‌شکافد و به‌درون آن می‌آید. آسمان همچون بره از گرگ می‌ترسد. دیو از آب می‌گذرد، به زمین می‌آید و به آفریدگان مادی حمله می‌کند. زمین چنان تاریک می‌شود که در هنگام ظهر مانند شب تاریک می‌نماید و پلیدی اهریمن همه‌جا را فرامی‌گیرد و حتی سرسوزنی از آلودگی دور نمی‌ماند و گیاهان زهرآلود و خشک می‌شوند (رک. هینلز، ۱۳۶۸: ۸۸).

در *اولین پادشاه جهان*، اهریمن و کیومرث هر دو در آسمان حضور دارند و با یکدیگر در نبرد هستند. اهریمن، یگانه‌دشمن آدمیان و جانوران است. جهان در اضطراب حضور اهریمن به سر می‌برد؛ انسان‌ها از نظر ذهنی و عینی اهریمن را می‌شناسند و هجوم او را درک می‌کنند. دیو می‌خواهد جهان را مثل شب تاریک کند. «اهریمن گفت: «من جهان را مانند شب، تاریک می‌کنم» و کیومرث می‌خواهد جهان را مانند روز روشن کند: «کیومرث گفت: «من جهان را مانند روز، روشن می‌کنم» (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۶).

اهریمن نخست به نابودی انسان می‌اندیشد و او را صاحب همه‌ی جهان می‌داند: «اهریمن به دیوان گفت: «باید آدم‌ها را نابود کنید تا جهان تاریک شود و شما صاحب دنیا شوید» (همان). «صدای غرش دیوان در آسمان پیچید. آن‌ها تخته‌سنگ‌های بزرگ را

به سینه گرفتند. هوهوکنان بلند شدند؛ پرواز کردند و بالای سر آدم‌ها آمدند. آدم‌ها در کوه و دشت زندگی می‌کردند. لباسشان از پوست و برگ درختان بود. تا دیوان را دیدند به این طرف و آن طرف گریختند. دیوان تخته‌سنگ‌ها را از آسمان روی آدم‌ها انداختند. زن‌ها جیغ کشیدند. مردها به جنگ دیوان رفتند و بچه‌ها مثل خرگوش فرار کردند. اهریمن غرش‌کنان تاریکی را پیش آورد. آدم‌ها به دل غارها رفتند. جهان تاریک و تاریک‌تر شد و با فریاد آدم‌ها کیومرث آمد» (همان: ۸). در بخش بعدی داستان، آدم‌ها و همه‌ی موجودات در یک کلیت قرار می‌گیرند و اهریمن با همه نبرد می‌کند: «دیوان ترسیدند. اهریمن خشمگین شد. به دیوان فرمان داد و گفت: حمله کنید. یک آدم، یک خزنده، یک چرنده، یک پرنده، یک موجود، زنده نماند» (همان). بنابراین اهریمن به دنبال فتح زمین با تمام موجودیت آن؛ یعنی انسان و ناانسان است.

۵. ۲. تعامل میان انسان و ناانسان

۵. ۲. ۱. انسان، جزوی از طبیعت

در داستان *اولین پادشاه جهان*، رابطه‌ی انسان و طبیعت در فضایی اسطوره‌ای شکل گرفته است. نگرشی که انسان‌ها را جزوی از مجموعه‌ی طبیعت می‌داند و فاصله‌ای میان او و طبیعت وجود ندارد. در این داستان، آدم‌ها و همه‌ی جانوران در یک کلیت و مجموعه قرار دارند و همه تلاش می‌کنند تنها دشمن خود (اهریمن) و نماینده‌ی آن (دیوها) را نابود کنند: «شیرها، ببرها و پلنگ‌ها، خرگوش‌ها و سنجاب‌ها و راسوها، پرنده‌ها و آدم‌ها آمدند. همه دور کیومرث جمع شدند و او گفت: دیوان با نعره‌ی خود ما را می‌ترسانند و جهان را تاریک می‌کنند. حال باید آن‌ها نعره‌ی ما را بشنوند» (همان: ۱۴). این همان نگاهی است که بوم‌شناسان ژرف به آن اعتقاد دارند. دژاردن، فلسفه‌ی اخلاق عملی بوم‌شناسی ژرف را بر دو هنجار نهایی، یعنی معرفت خویشتن و برابری زیست‌محوری متمرکز می‌داند. به نظر او معرفت خویشتن فرایندی است که انسان همچنان که با کل طبیعت به هم پیوسته است، به شناخت خود نیز دست می‌یابد. هنجار دوم این است که

همه‌ی جانداران و موجودات، برابری زیست‌محیطی دارند، بنابراین اعضای کلیتی هستند که باهم ارتباط دارند و همین مسأله ارزش ذاتی آن‌ها را نشان می‌دهد (رک). دژاردن، ۱۳۹۶: ۵۱۱). تیلور^۱ نیز با نگاهی زیست‌محورانه به طبیعت نگریسته است و انسان را عضوی از طبیعت می‌داند که از هیچ‌نظر بر دیگر موجودات، برتری ندارد. او تفاوت‌های انسان با گونه‌های زنده‌ی دیگر را واضح و مبرهن می‌داند، اما این واقعیت را نیز ذکر می‌کند که انسان هم فقط گونه‌ای از گونه‌های دیگر زمین است و از نظر چالش‌های زیست‌محیطی همچون قوانین وراثت، انتخاب طبیعی و سازگاری (با محیط) با موجودات دیگر اشتراک دارد (رک). پویمان و همکاران، ۱۳۸۴: ۳۳۹).

۵.۲.۲. انسان هماهنگ با طبیعت

در *اولین پادشاه جهان*، مجموعه‌ی آرامی که شامل انسان و نایسان است در یک مکان زندگی می‌کنند که می‌توان آن را حیات‌وحش نامید. درباره‌ی حیات‌وحش تعریف‌های متعددی ارائه شده است. دژاردن ابتدا درباره‌ی ایده‌ی مدرن حیات‌وحش که قانون آن در ۱۹۶۴ به‌تصویب رسید، توضیح می‌دهد و سپس آن را نقد می‌کند. براساس این تعریف مدرن، حیات‌وحش نواحی‌ای است که انسان در زمین و اجتماع زندگی آن مزاحمتی ایجاد نکرده است. او فقط بازدیدکننده‌ی این نواحی است؛ در آنجا ساکن نمی‌شود و آن را خراب و به‌هم‌ریخته نمی‌کند. دژاردن به ایده‌ی مدرن حیات‌وحش انتقاد می‌کند. از نظر او مردم بومی یک منطقه همچون کشاورزان و دام‌پروران به اندازه‌ی ساکنان شهرها تمایزی بین نواحی مسکونی و غیرمسکونی قائل نمی‌شوند (رک). دژاردن، ۱۳۹۶: ۳۶۰ و ۳۶۱).

در *اولین پادشاه جهان* درست‌بودن نظر دژاردن را می‌توان دید. زیرا در این داستان، انسان فقط بازدیدکننده و نظاره‌گر محیط زیست نیست، بلکه در حیات‌وحش همراه جانوران زندگی می‌کند. او خانه‌ای برای خود نساخته و از طبیعت وحش جدا نشده است. این نمونه را می‌توان با اندیشه‌ی رمانتیک‌ها که به‌گفته‌ی دژاردن حیات‌وحش را نماد معصومیت و پاکی می‌دانند، برابر دانست. او بیان می‌کند که در مدل رمانتیک، حیات‌وحش

^۱ Peter J. Taylor

با بهشت یا باغ عدن یکی است. جایی که انسان از اثرات تمدن تباه‌کننده به آنجا می‌گریزد. در چنین بینشی، حیات وحش یک پاکی مقدس دارد (رک. همان: ۳۶۸). در *اولین پادشاه جهان*، زندگی کیومرث و جانوران هماهنگ با طبیعت است؛ طبیعتی اصیل که از حقیقت خود یعنی مجموعه‌ای از انسان و نایسان دور نشده است.

۵. ۲. ۳. عواطف و احساسات مشترک

در *اولین پادشاه جهان*، انسان و نایسان از نظر عواطف و احساسات باهم اشتراک دارند. آن‌ها از نظر بروز عواطف و چگونگی ادراک باهم برابر هستند؛ چنان‌که جانوران نیز خطر هجوم دیوها و اهریمن را کاملاً درک و احساس می‌کنند و برای کمک به کیومرث آماده‌اند: «یکباره شیرها، ببرها، پلنگ‌ها غرش کردند. آدم‌ها فریاد کشیدند. گنجشک‌ها جیک‌جیک کردند. توفان غرید. باد زوزه کشید. زمین و آسمان پر از صدا شد» (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۶) یا «از آن‌سو پرنده‌ها در آسمان، آدم‌ها و جانوران در زمین با دیوان جنگیدند (رک. همان: ۲۰). همچنین زمانی که دیوها شکست می‌خورند، هیاهوی شادمانی انسان‌ها و جانوران نمایانگر درک کامل آن‌ها از نابودی اهریمن و دیوهاست: «اهریمن و دیوان نعره‌کشان در تاریکی فرورفتند. جهان غرق در روشنایی شد. آدم‌ها از شادی فریاد کشیدند. شیرها غرش کردند. پرنده‌ها آواز خواندند. توفان به‌دنبال دیوان رفت. باد شاخه و برگ درختان را رقصاند. روز و روشنایی و شادی از راه رسید» (همان: ۲۳).

همان‌طور که در تحلیل ماجرای کیومرث در *شاهنامه* نیز ملاحظه شد، در جهان اسطوره تنها انسان نیست که درک و احساس دارد، بلکه سایر حیوانات نیز با او در این امر شریکند. امروزه زیست‌شناسان مطالعات بسیاری درباره‌ی نوع احساس و ادراک حیوانات انجام داده‌اند. اتولوژی یا رفتارشناسی حیوانات، شاخه‌ای از زیست‌شناسی است که به ذهنیت و رفتار حیوانات می‌پردازد. دونالد آر. گریفین^۱ اولین کسی بود که به مسأله‌ی هوشیاری و آگاهی در حیوانات پرداخت و زوایای ناشناخته‌ای از ذهن و هوشیاری حیوانات را نمایان کرد. او در کتاب *ذهن حیوانات، فراتر از شناخت به آگاهی*، در چهارده

^۱ Donald R. Griffin

فصل، توانایی هوشیاری ادراکی را در حیوانات ثابت کرد. او در گزیده‌ای از فصل اول به این نمونه اشاره می‌کند. به‌عنوان مثال، یک حیوان نه‌تنها می‌تواند غذا را با دندان‌هایش خرد کند، بلکه طعم خوب و بد آن را نیز تشخیص می‌دهد و این، نشان‌دهنده‌ی درک اوست. گریفین معتقد است که حیوانات همچنان که به عمل خود آگاهی دارند، بر احساس خود نیز آگاهند. این‌گونه آگاهی از تفکر ناشی می‌شود و خاص انسان نیست. مثلاً خاطره‌ی ترس یک حیوان از یک حیوان درنده، حاصل یک تفکر از یک تجربه‌ی عاطفی است. اینکه حیوان می‌ترسد، فرار می‌کند و وقتی روز بعد، همان حیوان درنده را دوباره می‌بیند، احساس ترس می‌کند و افزون‌بر آن، تاکتیکی که روز قبل برای فرار از حیوان درنده داشته است، به‌خاطر می‌آورد و پنهان می‌شود، نشان‌دهنده‌ی فکری ساده است که نه‌تنها حالت عاطفی ترس، بلکه فکر ساده‌ی چگونگی فرار را نیز به یاد او می‌آورد (رک. Griffin, 2001: 1-17).

پیتر سینگر^۱ نیز در کتاب *آزادسازی حیوانات*، اصول اخلاقی فلسفی مربوط به حیوانات را بیشتر آشکار کرد. او برای نشان‌دادن احساس درد در حیوانات مشابه انسان‌ها، دلایلی را ذکر می‌کند. الف. حیوانات مانند انسان‌ها هنگام احساس درد نشانه‌های رفتاری از خود بروز می‌دهند و این درباره‌ی پستانداران و پرندگان که خویشاوندی نزدیک‌تری با انسان‌ها دارند، بیشتر دیده می‌شود. ب. حیوانات سیستم‌های عصبی مشابه انسان دارند و هنگام قرارگرفتن در موقعیت درد، نشانه‌های فیزیولوژیکی همچون افزایش ابتدایی فشارخون، گشادشدن مردمک چشم‌ها، تعریق، افزایش تعداد نبض، و در صورت ادامه‌ی محرک، آفت فشارخون در آن‌ها دیده می‌شود. سینگر در ادامه بیان می‌کند که قشر مغزی انسان‌ها در مقایسه با حیوانات دیگر پیشرفته‌تر است، اما این قسمت مغز مربوط به کارکردهای مربوط به تفکر است نه رانه‌ها، عواطف و احساساتی اساسی. رانه‌ها، عواطف و احساسات در مغز میانی واقع می‌شوند که به‌خوبی در بسیاری از گونه‌های دیگری از حیوانات، خصوصاً پستانداران و پرندگان توسعه یافته است. ج. سیستم‌های عصبی حیوانات

^۱. Peter Albert David Singer

به‌شکلی مصنوعی و مانند ربات‌ها ساخته نشده‌اند تا رفتار دردناک انسان‌ها را تقلید کنند. سیستم‌های عصبی حیوانات همچون سیستم‌های عصبی خود ما تکامل یافته‌اند و در واقع، تاریخ تکامل انسان‌ها و حیوانات دیگر، خصوصاً پستانداران، پیش از به‌وجودآمدن ویژگی‌های مرکزی سیستم‌های عصبی ما از هم جدا نشدند» (سینگر، ۱۳۹۶: ۲۸۹).

۵. ۲. ۴. نائسان، ابزار قدرت

کیومرث که در اسطوره‌ها در مرگ و زندگی با گاو پیوند دارد، در این داستان نیز قدرت خود را از این حیوان می‌گیرد؛ اما در این اثر اقتباس تصویری ارائه شده است که نشان دهنده‌ی نوعی سلطه‌ی کیومرث است. کیومرث سوار بر گاو زرینه به زمین می‌آید تا با دیوها نبرد کند: «کیومرث سوار بر زرینه، گاوی طلایی‌رنگ که همچون کوه بود، به تاریکی نگاه کرد و دیوها را دید که هوهوکنان تاریکی را همه‌جا پخش می‌کردند» (یوسفی، ۱۳۹۱: ۱۰). در بخش دیگری از داستان نیز آمده است: «کیومرث سوار بر زرینه با گرز بزرگی در دستش دیوان را یکی‌یکی از پا درآورد و پیش رفت» (همان: ۲۰)؛ اما از نظر مسائل زیست‌محیطی، سوارشدن انسان بر حیوان، نشان‌دهنده‌ی دیدگاهی انسان‌محورانه به طبیعت است، زیرا گاو به‌عنوان ابزاری برای نبرد استفاده شده است؛ حیوانی که قدرت تشخیص ندارد، نمی‌تواند از خود دفاع کند و انسان بر آن مسلط است. از نظر اخلاق زیست‌محیطی، ارزش ابزاری^۱ در مقابل ارزش تعلق^۲ قرار می‌گیرد. «ارزش تعلق، ارزش داشتن خود فرد است، ولی ارزش ابزاری، یک‌چیز تابع نحوه‌ی استفاده از آن به‌وسیله‌ی دیگران است» (دژاردن، ۱۳۹۶: ۲۶۶). تمایز میان ارزش ابزاری و ارزش تعلق با مفهوم «مقصود»^۳ نیز شناخته می‌شود. «اشیای دارای ارزش تعلق به‌خودی‌خود مقصود هستند، نه آنکه وسیله‌ای برای مقصودهای دیگر باشند» (همان).

در *اولین پادشاه جهان*، گاو ارزش تعلق خود را از دست داده است و موجودیت آن به وجود انسان و نوع استفاده از آن، یعنی نبرد بستگی دارد. ارزش ابزاری گاو را می‌توان

1. instrumental value

2. inherent value

3. end

به نبود خرد در وجود او نیز وابسته دانست. انسان خردمند بر حیوان بی‌خرد سوار می‌شود و به نبرد با اهریمن می‌رود. در نظام انسان‌محوری زیست‌محیطی، داشتن خرد از عوامل ارزش‌گذاری است. چنان‌که وجود خرد در انسان، سبب ارزش و احترام انسان و بی‌ارزشی غیرانسان به‌شمار می‌رود. دکارت^۱ یکی از تأثیرگذارترین افرادی است که اندیشیدن را عامل بهره‌کشی انسان از طبیعت می‌داند، زیرا به‌نظر او غیرانسان این موهبت را ندارد.

دکارت با طرح شعار «می‌اندیشم، پس هستم»، اندیشیدن را نخستین چیزی می‌داند که فرد می‌تواند هستی خود را اثبات کند. او مقوله‌هایی همچون انسان و غیرانسان را از یکدیگر جدا کرد. دوالیته یا دوگانه‌انگاری دکارت به‌گفته‌ی مارلین رزومند^۲، خط بین ذهنیات و جهان بیرون را پررنگ‌تر کرد» (طاووسی، ۱۴۰۰: ۹۵). در دوگانه‌انگاری دکارتی، انسان از حیوان کاملاً جدا می‌شود. او برای توضیح اندیشه‌ورزی انسان، مقایسه‌ای ناخوشایند میان انسان و حیوان انجام می‌دهد (رک. همان: ۱۰۱). دکارت و پیروان او خرد را عامل داشتن احساس و تجربه می‌دانستند و چون حیوان از داشتن خرد محروم است، ماشینی فاقد احساس است که نمی‌تواند درد بکشد؛ فکر کند و شایسته‌ی هیچ‌گونه احترامی نیست. او جهان حیوانات و کلاً جهان غیرانسان را پست‌تر از انسان می‌داند که ماشین‌هایی صرفاً با قدرت راه‌رفتن هستند؛ بنابراین کشتن و راندن هرآنچه غیرانسان است، مجاز است (همان: ۱۰۲ و ۱۰۳).

آرا و نظریات بسیاری درباره‌ی حقوق حیوانات مطرح شده است. طرفداران محیط زیست تلاش کرده‌اند حقوقی برای حیوانات در نظر بگیرند، چنان‌که تام ریگان^۳ با طرح دفاعیه‌ای درباره‌ی حقوق حیوانات، بیان می‌کند که بعضی از حیوانات حقوقی دارند که سبب تعهدات اخلاقی انسان می‌شود. او به دلایل اخلاقی، بسیاری از فعالیت‌های انسان را که بر حیوانات تأثیر می‌گذارد، نکوهش می‌کند. ریگان انسان را از فعالیت‌هایی همچون استفاده از آن‌ها در تحقیقات علمی و تجاری، بهره‌گیری به‌عنوان مواد غذایی، استفاده‌های

1. René Descartes

2. Marleen Rosemond

3. Tam Ragan

تفریحی مانند شکار، قراردادن در باغ وحش و دست‌آموزکردن برحذر می‌دارد (دژاردن، ۱۳۹۶: ۲۶۴). بنابر آنچه گفته شد، به دفاعیه‌ی ریگان باید جنگ را هم افزود، زیرا حیوانات نیز مانند انسان‌ها در جنگ‌ها قربانی می‌شوند؛ مسئله‌ای که انسان به آن نمی‌اندیشد. در داستان *اولین پادشاه جهان*، چنانچه گاو در نبرد با اهریمن کشته شود، اهمیتی ندارد و تعهد اخلاقی برای انسان پدید نمی‌آورد.

شاید بتوان این بخش را با نظریه‌های اومانستی که حق را صرفاً به انسان می‌دهد، مطابقت داد: «اصالت انسان، یا اومانسم که با عبارات گوناگونی چون انسان‌مداری، انسان‌گرایی، انسان‌محوری و نظایر آن شناخته می‌شود، محصول روندهای فکری عصر روشنگری و پس از آن است. در این نظریه اصالت منوط به اراده و خواست انسان است. انسان مبنا و غایت ارزش‌ها قرار می‌گیرد» (مشهدی، ۱۳۹۲: ۹۴).

۶. نتیجه‌گیری

حقیقت نقد بوم‌گرا ایجاد رابطه‌ی تعاملی میان انسان و طبیعت از مسیر ادبیات است. در این نقد، ادبیات راهکاری است که بر ذوق و اندیشه‌ی انسان به‌طور هم‌زمان تأثیر می‌گذارد و می‌تواند در تغییر نگرش او به طبیعت مؤثر باشد. داستان *اولین پادشاه جهان*، اقتباس از داستان *کیومرث شاهنامه‌ی فردوسی* است که رابطه‌ی انسان و طبیعت را به‌روشنی می‌توان در آن دید. فردوسی در *شاهنامه*، رابطه‌ی کیومرث با طبیعت را در فضایی اسطوره‌ای نگه داشته است. کیومرث پادشاهی فرهمند است که انسان و نانشان در کنار او با آرامش زندگی می‌کنند؛ کیش و آیین را از او می‌آموزند و تنها دشمن آن‌ها اهریمن است. نگاه تعاملی این داستان را می‌توان از ویژگی‌های اسطوره‌ای داستان و نیز ناشی از خرد زیست‌محیطی فردوسی دانست. در این داستان، کیومرث مسلط بر طبیعت نیست، بلکه با آن همراه است. او هرگز نمی‌خواهد حیوانات را رام کند و پروردن جانوران برای بهره‌کشی انسان نیست. فردوسی رابطه‌ی کیومرث با طبیعت را تا پایان داستان، هماهنگ با طبیعت نگه می‌دارد.

محمدرضا یوسفی در داستان *اولین پادشاه جهان*، آگاهانه یا ناآگاهانه در بیشتر مواقع، نگاه تعاملی انسان با طبیعت را در نظر دارد. در این داستان انسان و نایسان با هم در یک مجموعه قرار دارند. انسان جزوی از طبیعت و با آن هماهنگ است و نایسان از نظر هوش و احساسات با انسان‌ها مشترک است. او اندیشه‌ی نجات طبیعت را در داستان گنجانده و لازمه‌ی به‌پادشاهی‌رسیدن کیومرث را رهایی انسان و نایسان از شرارت اهریمن، یعنی ضد طبیعت می‌داند. کیومرث انسان خردمندی است که یورش اهریمن بر انسان و نایسان او را برمی‌آشوبد؛ چنان‌که به زمین می‌آید؛ با اهریمن نبرد می‌کند و سرانجام به پادشاهی همه‌ی موجودات برگزیده می‌شود.

از رویکردهای انسان‌محورانه‌ی این اقتباس نیز می‌توان به ابزارشدن گاو برای نبرد اشاره کرد. از این حیوان که در اسطوره‌ها در مرگ و زندگی با کیومرث پیوند دارد، به‌عنوان ابزاری برای نبرد با اهریمن استفاده می‌شود و انسان تعهدی به مرگ و زندگی آن ندارد و چنانچه در این نبرد کشته شود، مسئولیت اخلاقی برای او به‌وجود نمی‌آید. حذف یا تغییر این بخش از داستان که رویکردی انسان‌محورانه به محیط زیست دارد، می‌تواند آن را به داستانی که اندیشه‌ی نجات محیط زیست در آن نهفته است، تبدیل کند و در پدیدآوردن حس مسئولیت‌پذیری مخاطب کودک و نوجوان در مقابل طبیعت، ارزش‌گذاری و نجات‌بخشی آن مؤثر باشد.

منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۷۱). «دیوها در آغاز دیو نبودند». کلک، شماره‌ی ۳۰، صص ۱۶-۲۴.
- اکبرلو، منوچهر. (۱۳۸۹). «شاهنامه، کودک و اقتباس دراماتیک». کتاب ماه کودک و نوجوان. شماره‌ی ۱۵۰، صص ۵۹-۶۲.
- پورخالقی‌چترودی، مهدخت. (۱۳۸۱). *درخت شاهنامه (ارزش‌های فرهنگی و نمادین درخت در شاهنامه)*. مشهد: به‌نشر.

پارساپور، زهرا. (۱۳۹۲). نقد بوم‌گرا (ادبیات و محیط زیست). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

_____ (۱۳۹۵). ادبیات سبز (مجموعه مقالات در نقد بوم‌گرایانه‌ی ادبیات فارسی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

پورداوود، ابراهیم. (۱۳۹۴). اوستا (یسناس). ج ۳، تهران: نگاه.

پویمان، لوییپ و همکاران (۱۳۸۴). اخلاق زیست‌محیطی. ترجمه‌ی محسن ثلاثی، مژده دقیقی، هادی غبرایی و دیگران. ج ۱، تهران: توسعه.

جلالی، مریم. (۱۳۸۹). شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان از مشروطه تا ۱۳۸۵. پایان‌نامه‌ی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی.

_____ (۱۳۹۵). شاخص‌های اقتباس در ادبیات کودک و نوجوان. تهران: انجمن فرهنگی هنری زنان ناشر.

جلالی، مریم؛ پورخالقی‌چترودی، مهدخت. (۱۳۹۲). «اقتباس مفهومی و نگارشی از شاهنامه در ادبیات کودک و نوجوان». مطالعات ادبیات کودک، دوره‌ی ۴. شماره‌ی ۴، (پیاپی ۸)، صص ۱-۱۸.

حسینی، مصطفی. (۱۳۹۲). «معرفی و نقد کتاب نظریه‌ی اقتباس لیندا هاچن». ادبیات تطبیقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی). سال ۴، شماره‌ی ۷، صص ۲۱۶-۲۲۳.

خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۱). یادداشت‌های شاهنامه. بخش یکم، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

دادگی، فرنیغ. (۱۳۷۸). بندهش. ترجمه‌ی مهرداد بهار، تهران: توس.

دژاردن، جوزف‌آر. (۱۳۹۶). اخلاق محیط زیست (درآمدی بر فلسفه‌ی محیط زیست). ترجمه‌ی مهدی کلاهی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

ذکاوت، مسیح. (۱۳۹۷). «درآمدی بر بوم‌فمنیسم مطالعه‌ی موردی دو دوست و دیلینگ دیلینگ». مطالعات ادبیات کودک، دوره‌ی ۹، شماره‌ی ۲، صص ۵۵-۷۶.

رسولی، آرزو. (۱۳۹۲-۱۳۹۳). «داستان آفرینش انسان از منظر اسطوره‌شناسی تطبیقی».

تاریخ ایران، سال ۱۵، شماره‌ی ۷۳، صص ۲۷-۴۲.

سینگر، پیترو. (۱۳۹۶). *آزادی حیوانات*. ترجمه‌ی بهنام خداپناه، تهران: ققنوس.

طاووسی، سهراب. (۱۴۰۰). *اندوه خاک (محیط زیست در شعر معاصر)*. تهران: آفتاب کاران.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۱). *شاهنامه‌ی فردوسی*. تصحیح خالقی مطلق، ج ۱، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

کرمستجی، عاطفه. (۱۳۹۵). *بررسی داستان‌های تصویری ایرانی از منظر بوم‌نقد*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان.

کریم‌زاد، مریم. (۱۳۸۴). *تأثیر شاهنامه در ادبیات کودکان*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه یزد.

کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۶۸). *زیباشناسی سخن پارسی؛ بیان*. تهران: مرکز.

مسعودی، علی‌بن‌الحسین. (۱۳۸۲). *مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر (تاریخ اسلام)*. ج ۱، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران: علمی و فرهنگی.

مشهدی، علی. (۱۳۹۲). *حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی-فرانسوی)*. تهران: میزان.

نصر، سیدحسین. (۱۳۸۹). *دین و نظم طبیعت*. ترجمه‌ی انشاءالله رحمتی، تهران: نی.

نیبرگ، هنریک‌ساموئل. (۱۳۸۳). *دین‌های ایران باستان*. ترجمه‌ی سیف‌الدین نجم‌آبادی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

هینلز، جان. (۱۳۶۸). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه‌ی ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: چشمه.

یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۶). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: معاصر.

یوسفی، محمدرضا. (۱۳۹۱). *اولین پادشاه جهان*. تهران: خانه‌ی ادبیات.

- A dugna, A. B. (2015). *How green are our stories?* Explorations of ecological subjectivities in Ethiopian children's literature. *Journal of Language and Culture*, 6(5), 39-51.
- Bhalla, A. (2012). *Eco-consciousness through children's literature: A study*. IRWLE, 8(2), 1-8.
- Griffin, Donald R. (2001). *Animal Minds: Beyond Cognition to Consciousness*. Chicago: University Of Chicago.
- Glotfelty, C. (1996). Introduction: *Literary studies in an age of environmental crisis*. In C. Glotfelty, & H. Fromm (eds.), *The ecocriticism reader: Landmarks in literary ecology* (pp. xv-xxxvii). Athens: University of Georgia Press.
- Mishra, S. K. (2016). *Ecocriticism in children's literature: An analysis of Amit Garg's Two Tales*. GALAXY: International Multidisciplinary Research Journal.
- Ogechi, U. (2015). *Nature in Nigerian children's literature: An appraisal of selected verses*. (Master's thesis). Ahmadu Bello University, Zaria.
- Rueckert William. (1978). *Literature and Ecology: An Experiment In Ecocriticism*. <http://www.environmentandsociety.org>.